



بررسی جایگاه طراحی در ایجاد حس امنیت در مجتمع‌های مسکونی

علی رضایی مقدم^۱، حسن آرزو^۲، وحید یوسف پور^۳، مسعود عبادی^۴

rezayi۳۸۱۴@yahoo.com

Vahid_yo۱۳۶۴@yahoo.com

چکیده:

در بین مسائل مختلف، امنیت جایگاه ویژه‌ای در آرامش و افزایش کیفیت زندگی شهری خواهد داشت. امنیت از نظر لغوی به معنای راحت و آسوده و بی بیم گردانیدن می‌باشد و مفهوم آن به دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال باز می‌گردد که خود نشان دهنده ضرورت بحث می‌باشد. امنیت از نیازهای اساسی انسان است که نحوه پاسخگویی به آن تاثیر مستقیم در ارضای نیازهای دیگر او دارد. انسان همیشه در طول تاریخ سعی در پاسخگویی به این نیاز داشته است، ساختن ابزار آلات دفاعی، ایجاد تاسیسات تدافعی و نظامی در سکونتگاه‌ها و شهرها، تشکیل نیروی نظامی و ... برخی از اقدامات او برای حفظ امنیت فردی و اجتماعی‌اش بوده است. با این وجود در سال‌های اخیر، تغییر ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها تاثیر زیادی در شکل‌گیری مسکن داشته است. طبقه‌بندی ساده قشر مخاطب برای دسته‌بندی گونه مسکن مورد نیاز پاسخ‌گوی نیازهای دامنه وسیع استفاده‌کنندگان از مجموعه‌های مسکونی نمی‌باشد. در این بین احساس امنیت از جمله عوامل انسانی - محیطی است که می‌تواند نقش بسزایی در رضایت مندی انسان‌ها از فضایی که در آن زندگی می‌کنند داشته باشد. امنیت در مجموعه‌های مسکونی تنها از طریق موانع سخت فیزیکی میسر نبوده، چه بسا همین موانع فیزیکی به لحاظ روحی-روانی حس ناامنی را در مردم تقویت کند. با توجه به رشد جمعیت و افزایش نیاز به مجموعه‌های مسکونی در شهرها، روشن کردن الگوها و خط‌مشی‌هایی برای نیل به اهداف برنامه‌ریزی شده، ضروری به نظر می‌رسد که در این بین ایجاد حس امنیت به عنوان یکی از عوامل انسانی - محیطی نقش مهمی را در رضایت مندی و آسایش افراد در زندگی‌شان ایفا خواهد نمود. نتایج حاصل این مقاله حاکی از آن است که ایجاد حس امنیت از طریق غیر مستقیم و با بهره‌گیری از سیاست‌های پیشگیرانه تلفیقی کالبد معماری و روابط اجتماعی - فرهنگی (از قبیل: مساله اشراف و دید، افزایش قابلیت رویت‌پذیری بصری، برقراری تناسب میان تراکم جمعیتی و مجموعه‌های مسکونی، ایجاد کاربری‌های متنوع و متجانس و ...) تحقق‌پذیر خواهد بود. براین اساس این مقاله به بررسی نقش و جایگاه امنیت در طراحی مجموعه‌های مسکونی می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد و از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی برای انجام تحقیق استفاده شده است.

واژگان کلیدی: امنیت، احساس امنیت، طراحی، مجموعه‌های مسکونی

- ^۱ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری
- ^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد نیشابور
- ^۳ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری
- ^۴ کارشناس مهندسی شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد





مقدمه:

در طول تاریخ، زندگی شهری بیش از همه نیازمند برقراری امنیت بوده است. با نگاهی به منشا پیدایش زندگی به صورت جمعی و یکجانشینی، اثر امنیت نمود بارزی پیدا می کند. امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی می باشد که بعد ذهنی بیشتر به مولفه های اجتماعی و بعد عینی به مولفه های فیزیکی و کالبدی باز می گردد. در حال حاضر نیز توجه به نیاز های اساسی شهروندان در محیط های شهری و توجه به برطرف نمودن مشکلات و معضلات شهری به منظور کاهش ناپهنجاری و افزایش امنیت در فضاهای عمومی از مهمترین مسائلی است که همواره مورد توجه مدیران، برنامه ریزان و طراحان شهری بوده است. شناخت فعالیت های جاری در محیط های شهری و جایگزینی و تناسب آنها با کالبدشان می تواند در بهبود شرایط محیط برای برقراری امنیت موثر باشد. معیار های شناخت و تحلیل امنیت در پهنه شهر بسیار متفاوت است و با توجه به مولفه های کالبدی، کارکردی و محیطی نوسان پیدا می کند. محیط های شهری بنا به شرایط اجتماعی موجود، یعنی شکل گیری فضاها، کارکرد فضاها، وجود امکانات رفاهی، تراکم، آلودگی های زیست محیطی، و... می توانند بر میزان امنیت موثر باشند. ایجاد فضاهای آرام و به دور از نابسامانی اجتماعی و نیز افزایش کیفیت محیطی از طریق توجه به نیاز های اساسی زندگی شهری به عنوان مطلوبیت فضای شهری به حساب می آید.

بیان مساله:

فضای شهری و روابط جاری در آن با هم در ارتباط متقابل هستند و از هم تاثیر می پذیرند. انسان از طریق روابط اجتماعی - فرهنگی به فضا، فرم و عملکرد اهمیت می بخشد و ساماندهی فضا به نوبه خود به تغییر شکل این روابط می انجامد. بنابراین ساخت و طراحی فضاهای شهری بر فرایند زندگی اجتماعی تاثیر گذاشته و می بایست از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارایی داشته باشد. (سیفایی، ۱۳۸۴: ۷۶). خوانایی یک شهر از طریق ابزار کالبدی آشکارتر می شود و به میزانی که یک کالبد بتواند با شهروندان خود از طریق ویژگی های کالبدی ارتباط نمادین ایجاد کند، یک شهر خوانا و ناخوانا ارزیابی می شود. (رضازاده، ۱۳۸۴: ۲۵). وقتی که یک شهر خوانا است به احساس راحتی و امنیت کمک می کند و برعکس هنگامی که علائم راهنما وجود ندارد و فضا گیج کننده است و می توان گفت احساس امنیت از بین می رود. (H. Russ, 2005: 22). با این وجود امنیت اجتماعی و به طور کل امنیت، ارتباط مستقیمی با فضا و ساخت و ساز شهری دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تامین کننده امنیت و فضای نامناسب از بین برنده آن و زمینه ساز انواع آسیب ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی دفاع، محلات ناامن، همه و همه از عوامل تهدید کننده امنیت شهری و اجتماعی هستند. امروزه امنیت از شاخص های کیفی زندگی در شهرها است و آسیب های اجتماعی از مهم ترین پیامدهای مختلف امنیت به شمار می روند. در این میان فضاهای شهری از جمله مولفه هایی هستند که ناپهنجاری های اجتماعی در بستر آنها به وقوع می پیوندد. امروزه رویکردهای نوین برنامه ریزی و طراحی مجموعه های مسکونی متوجه الگوهای جامع میان رشته ای شده است. این رویکرد به





جنبه های انسانی و محیطی طراحی اهمیت ویژه ای داده و از طرف دیگر مشکلات زندگی در شهرهای بزرگ بر لزوم آن افزوده است. مساله امنیت در مجموعه های مسکونی از جمله عوامل انسانی و محیطی می باشد که با تاثیر مستقیم بر برنامه ریزی و طراحی این مجموعه ها، کیفیت زندگی انسان ها را ارتقاء می بخشد. سازگاری و هماهنگی هر چه بیشتر عوامل انسانی و محیطی می تواند طراحی محیط های مسکونی را در پی داشته باشد که آداب زندگی اجتماعی و فرهنگ سکونت ساکنین را ارتقاء دهد. (Rapoport: ۱۹۸۲: ۶-۳) در این مقاله مقصود از مجموعه های مسکونی، مجموعه هایی است که به صورت یکجا و همزمان ساخته شده و مالکیت بخشی از فضاها را عمومی و نیمه عمومی مشاع بوده و استفاده از آن ها دارای مقررات مخصوص به خود می باشد. بر این اساس این مقاله به بررسی جایگاه امنیت در طراحی مجموعه های مسکونی می پردازد.

روش تحقیق:

از آنجایی که هر پژوهش علمی با ظهور مسأله یا مجهولی در ذهن محقق شروع می شود (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۱۶)، لذا تحقیق حاضر به بررسی نقش طراحی در ایجاد حس امنیت در مجموعه های مسکونی می پردازد. بر این اساس تحقیق حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد که اطلاعات آن به صورت اسنادی و کتابخانه ای جمع آوری گردیده است

تعریف مفاهیم:

امنیت: معنای لغوی امنیت رهایی از تشویش، اضطراب، ترس، (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۴) یا احساس آرامش و اطمینان خاطر است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴). در فرهنگ معین امنیت با معانی ایمن شدن، در امان بودن و بی بیمی آمده است (معین، ۱۳۸۴: ۱۴۰). برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره گیری بهینه از فرصت ها می باشد (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۴۸). در تعریفی دیگر امنیت مجموعه شرایط و وضعیتی است که موجب ثبات و آرامش خاطر در جامعه می گردد و ترس و خوف از نظر عامه مردم رخت بر می بندد (بیات، ۱۳۸۷: ۲). به این ترتیب می توان گفت امنیت "به معنای فراغت از هر گونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادیهای مشروع و قانونی شهروندان است (کارگر، ۱۳۸۳: ۲).

احساس امنیت: احساس امنیت حالتی است که در آن ارضای احتیاجات و خواسته های فردی و اجتماعی افراد انجام و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس نماید (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۲۸).

در فضاهای شهری "احساس امنیت شهری به این معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه جا شوند، با هم شهریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. احساس امنیت به معنای خاطر شهروندان از مال، جان، و ... است که خود نشانگر سازمان





یافتگی، قانونمندی و با ثبات بودن جامعه است (صانعی، ۱۳۸۵: ۱۵۰). بنابراین احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرم خیز در آن جامعه باز می گردد و هر مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم خیز بالاتر باشد احساس امنیت شهروندان پایین تر است (بیات، ۱۳۸۷: ۱۷).

فضا: فضا مجموعه ای از انسانها، فعالیت ها، محیط طبیعی و محیط مصنوع را در بر می گیرد (مومنی، ۱۳۷۷، ۱۸). به بیان دیگر فضا، حجم زمانی و مکانی مجموعه فعالیت هایی است که انسان در طبیعت انجام می دهد (۳۶: ۱۹۹۲، misra).

فضای شهری: هنگامی که صفتی به فضا نسبت داده می شود؛ یک حوزه یا قلمرو فضا را می سازد. فضای شهری بنا بر کالبد فیزیکی شهر و در حیطه شهر قرار می گیرد (۳۶: ۱۹۹۲، misra).

فضاهای شهری موضوع بسیاری از رشته های مختلف می باشد، بنابراین از منظرهای مختلف تعریف می شود که تمامی آنها به نوعی مکمل همند.

در جغرافیا، روانشناسی محیط و جامعه شناسی شهری، فضای شهری به عنوان یک موقعیت مادی، زمینه نمادین و اجتماعی و به میزان قلمروی حوادث و خطرات در نظر گرفته می شود (۳۲: ۲۰۰۷، lapinitie).

دیدگاه معماری، فضاهای عمومی را به عنوان مکان هایی باز و قابل دسترس، تعریف می کند و در حقیقت در تقابل با فضاهای خصوصی - جایی که دسترسی به آن محدود و کنترل شده است - قرار می گیرد (۲۱۷: ۲۰۰۴، Garcia-Ramon)

فضای شهری به مفهوم صحنه ای است که فعالیت های عمومی زندگی شهری در آنها به وقوع می پیوندد. خیابان ها، میداين، پارکهای یک شهر، فعالیت های انسانی را شکل می دهند (بحرینی، ۱۳۷۷: ۳۱۳). همچنین می توان گفت « فضای شهری آن بخش از فضا است که بوسیله شهر اشغال شده و یا دست کم به ضرورت کارکرد کانونهای جمعیتی مورد استفاده قرار گرفته است. این فضا مشتمل است بر محدوده های ساخته شده، شبکه راههای شهری، قرارگاهها و موسسات حمل و نقل، باغها، اماکن ویژه سرگرمی و محل های مخصوص گذران اوقات فراغت» (جمالی، ۱۳۸۳: ۳۱).

یک تعریف دیگر سه شاخصه "باز بودن فضا"، "عمومی بودن فضا" و "برقراری تعاملات اجتماعی در فضا" را سه شاخص ضروری و توأمان فضای شهری معرفی می کند (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۵). به عبارتی فضاهای شهری می توانند به عنوان فضاهای باز فکری هم تعریف شوند، چرا که این فضاها برای استفاده های مختلف غیر قابل پیش بینی و انجام فعالیت های متنوع، طراحی و برنامه ریزی شده اند تا تمایلات شهروندان را برای برآورده کردن خواسته هایشان هموار کرده و آنها را از این امر منتفع نمایند (۴۷۰: ۱۹۸۶، walzer).

Calthorpe در همین چارچوب در اعتراض به کاهش نقش این فضاها در فرایندهای برنامه ریزی و طراحی شهری معاصر خاطر نشان می سازد که کیفیت فضای عمومی در شهرها به طرز محسوسی کاهش یافته است. (رفعیان و سیفایی، ۱۳۸۴: ۳۹).





تحلیل فضایی: کشف روابط بین عناصر چهارگانه انسان، مکان، زمان و فعالیت را می توان به عنوان تحلیل فضایی قلمداد نمود (زنگی آبادی، ۱۳۷۸: ۴۲).

امنیت فضای شهری: یکی از حقوق مشروع شهروندان، ایمن بودن در حین حضور در فضاهای شهری می باشد. این ایمنی باید از دو جنبه مورد توجه واقع شود: "۱- امنیت فیزیولوژیک: یعنی آزادی از آزارهای جسمی و فیزیکی ۲- امنیت روانی: یعنی داشتن حس مکان و حس تسلط بر فضا چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر اجتماعی در یک جامعه" (حسینیون، ۱۳۸۶: ۸۷).

طراحی برای امنیتامینیت:

یعنی محافظت از ساختمان و ساکنان آن در مقابل افراد متجاوزی که به صورت غیر مجاز و برای انجام دادن اعمال خلاف قصد ورود به ساختمان را دارند. جهت ایجاد امنیت، روش هایی برای تحقق بخشیدن به آن توصیه شده اند که البته بر حسب نوع عملکرد ساختمان و ابعاد آن متفاوت اند.

طراحی برای سازماندهی یک برنامه کامل امنیتی، باید شامل مجموع کنترل های فیزیکی و سایر تکنیک ها و شکل های کنترل باشد.



مبانی نظری تحقیق:

در سال ۱۹۷۱ مقاله ای تحت عنوان "پیشگری از جرم از طریق طراحی محیطی" (CPTED)، توسط ری جفری منتشر شد. اساس نظریه این است که شرایط محیط کالبدی هم می تواند به ارتکاب جرم کمک کرده و هم می تواند مانع از وقوع آن شود. در واقع مجموعه نظریه های (CPTED)، پیشنهاد روش شناسی برنامه ریزی و طراحی مجدد محیطی است که بر آن اساس معماران و شهرسازان می توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۴). این رویکرد که به رویکرد نیومن بسیار نزدیک



است. محیط فیزیکی را به گونه ای سازمان دهی می نماید که وقوع جرم و ترس را به وسیله کاهش حمایت از رفتارهای مجرمانه کاهش می دهد. به عبارتی ایجاد محیط ایمن به وسیله طراحی با عملکرد پلیس هماهنگ می شود. در این رویکرد سیستمی سلسله مراتبی از فضاهای به هم پیوسته و کوچه های بن بست که در واقع راه فرار را بر مجرمان می بندد، به کار گرفته می شود. به این ترتیب، در عین حال که دسترسی عمومی را ممکن می کند، از تمایل غریبه ها به حضور در فضا می کاهد و به نوعی مانند محدوده های بسته عمل می کند. (مدیری، ۱۳۷۸: ۶۸) خانم جین جاکوبز نخستین کسی است که در اثر خود تحت عنوان " مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا " به این موضوع پرداخت، او معتقد بود نظارت معمولی شهروندان به قابلیت حیات شهر کمک می کند و با طراحی و برنامه ریزی مناسب شهری می توان امکان کنترل اجتماعی برای پیشگیری از جرم و جنایت را فراهم کرد. ولی با این وجود در سال ۱۹۶۹ جفری اولین کسی بود که عبارت پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (cpted) را به کار برد. او به برنامه ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبت های طبیعی شهروندان و طراحی اصولی و صحیح ساختمانها و فضاهای شهری عامل مهم کنترل جرائم شهری است. با این وجود می توان گفت که تعریف خاص و یا کلی از نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی که مورد قبول همه باشد وجود ندارد. اما پیشگیری از جرم می تواند به طور کلی در دو هدف کاهش حقیقی جرم و افزایش در احساس سلامتی و امنیت تعریف شود (Bo Grönlund, ۲۰۰۰) این نگرش ابزاری است که امکان استفاده از پیش بینی ها را قبل از عمل تأیید و امکان وقوع جرائم احتمالی را کاهش می دهد. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی روشی است که مفاهیم توانبخشی، حبس و مجازات را رد می کند (بیات، ۱۳۸۷: ۴۰) اصل کلی دیدگاه فوق بر ساخت و اصلاح مؤثر محیط بنا شده است تا بدین وسیله بزهکاری کاهش یابد و احساس امنیت شهری افزایش یابد و کیفیت زندگی ارتقاء یابد. برخلاف نگرشی که در آن برای جلوگیری از بروز انواع جرائم از وسایل ایمنی شخصی مثل قفل، نرده، درب های ایمنی و گشت های امنیتی و غیره استفاده می شود، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی کیفیت محیط زندگی را برای جلوگیری از جرائم افزایش می دهد و هدف اصلی آن حداکثر استفاده از فضاهای شهری است. (سلطانی، ۱۳۸۵: ۸۹)

در این دیدگاه ساخت محیطی ایمن در برابر رفتار و تصمیم گیری بزهکاران است که این خود فرصت های بزهکاری را به وسیله افزایش احساس خطر در میان بزهکاران می کاهد، از سوی دیگر باعث می شود تا اقدامات مجرمانه به تلاش بیشتری توسط مجرمان نیاز داشته باشد (McCamey, ۲۰۰۱) هدف اصلی طراحی علیه جرم^۵، مقابله با بزهکاری است. و آن شامل پیشرفت در طراحی محیط های جدید برای از بین بردن اشکال پایدار جرم در مقابل محیط هایی است که جاذب بزهکاران هستند. (Press, ۲۰۰۰)

این دیدگاه، شامل طراحی فضای کالبدی در زمینه استفاده طبیعی از محیط پیرامون می باشد که در عین حال رفتار پیرامون این فضا را نیز در نظر دارد. دیدگاه یادشده بر ارتباط بین اهداف کاربردی، بهره فضایی و مدیریت رفتار تأکید دارد (سلطانی، ۱۳۸۵: ۹۵) این نگرش بر ایجاد محیطی ایمن در برابر خطرات احتمالی مجرمان و همچنین تأثیر محیط ها بر کاهش یا افزایش جرم اشاره می کند که در آن از طریق راهبردهای این نگرش جامعه از خطرات بزهکاری در امان می ماند.

در نگرش فوق، طراحی مناسب و کاربری مؤثر محیط و ساختمان است که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می شود. به عبارت دیگر طراحی مناسب و استفاده درست از محیط می تواند علاوه بر بهبود کیفیت زندگی، از ترس ناشی از جرم و وقوع جرم پیشگیری نماید. در واقع نگرش یادشده بر این اندیشه و فکر مبتنی است که رفتار انسانی در یک محیط شهری کاملاً تحت تأثیر طراحی محیط است. آثار مثبت نگرش فوق در محله و معابر این خواهد بود که علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی، ایجاد حس مالکیت کرده و میزان جرائم را کاهش داده و حتی موجب افزایش قیمت خانه و زمین در آن محل خاص خواهد شد. (قورچی، ۱۳۸۶: ۷۷)





اسکار نیومن در کتاب "فضاهای قابل دفاع، مردم و طراحی در شهر پر خشونت"، نظریه فضای قابل دفاع را مطرح می‌کند و می‌گوید طراحان باید ایجاد امنیت را یکی از اهداف طراحی خود قرار دهند و معتقد است می‌توان ساختار محیط شهری را به گونه‌ای تغییر داد که جامعه نه توسط پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌هایی خاص سهیم اند تعریف گردد. نیومن برخی از عقاید جاکوبز را توسعه داده و بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها تاکید کرده است. او بر اساس مطالعه مکان وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک، سه فاکتور افزایش جرم در محله‌های مسکونی را چنین بر می‌شمارد:

۱- بیگانگی: مردم همسایگان شان را نمی‌شناسند؛

۲- عدم وجود نظارت: مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی بدون آن که مجرم دیده شود ممکن می‌کند؛

۳- دسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می‌کند؛

لذا نیومن معتقد است که با استفاده از سازوکارهای نمادین شکل دادن عرصه‌های تعریف شده، می‌توان یک محیط را تحت کنترل ساکنانش قرار داد. (Newman, ۱۹۷۳)

از جمله ساز و کارهایی که نیومن پیشنهاد می‌کند نیز می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

۱- ایجاد احساس مالکیت و تعلق خاطر از طرف ساکنان آن که از طریق تقسیمات فرعی محیط‌های مسکونی به قسمت‌های مختلف امکان‌پذیر است، با این شرایط ساکنان قادرند فضا را کنترل نمایند.

۲- امکان وجود نظارت طبیعی از داخل ساختمان به فضای داخلی و خارجی آن، ارتباط بصری بین فضاها از ایجاد مناطق پرت و ایزوله جلوگیری می‌کند.

۳- شکل و ویژگی‌های کالبدی ساختمان باید به نحوی باشد تا شرایط پنهان‌کاری اعمال خلاف را ایجاد نکند. آنچه که "فضاهای پشت" ایجاد می‌کند.

۴- ساختمان‌ها در مجاورت فضایی استقرار یابند که خود بازدارنده اعمال خلافند به عبارت دیگر محل استقرار ساختمان باعث تشدید ناامنی نگردد. (افشار، ۱۳۷۸: ۴۸)

نیومن معتقد است امنیت سایت را از طریق ایجاد سلسله مراتب در فضا می‌توان ایجاد نمود، به گونه‌ای که فضاهای عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و خصوصی مشخص شده و معین گردد چه کسی مجاز است در کدام فضا باشد. تقسیمات فرعی در صورتی که فضاهای تعریف شده مناسبی در خصوص راه‌های دسترسی و خدمات جانبی و ورودی‌ها ایجاد کند، بازدارنده طبیعی خوبی در مقابل اعمال خلاف می‌گردند. عملکرد مناسب این مکانیسم، موجب افزایش احساس مسئولیت و مراقبت ساکنین از محیط زندگیشان می‌شود. نظارت زمانی می‌تواند به شکل مطلوب انجام پذیرد که محل تحت نظارت در حیطه فعالیت و مسئولیت افراد شناخته شود. در بهترین حالت یعنی زمانی که ساکنان منطقه تحت نظارت را در مالکیت خویش احساس کنند، محافظت به طور کامل صورت می‌پذیرد. در شرایطی که محیط فاقد فضای تقسیم شده باشد، باید تعداد راه‌های دسترسی محدود باشد تا به لحاظ امنیتی، جمعیت بسیاری از آنها عبور کند و امکان نظارت کافی وجود داشته باشد. این راه‌ها باید به نحوی طراحی گردند که قبل از عبور قابل رویت باشند. (طالبی، ۱۳۷۶: ۵۴)

امنیت در ساختمان‌های مسکونی:





افزایش وقوع جرایم و پراکندگی آن ها در محیط های شهری، شهر نشینان را به طور فزاینده ای در رابطه با امنیت زندگی شان نگران کرده است. افزایش در تراکم می تواند بر امنیت ساکنان اثرات مثبت و منفی داشته باشد. تمرکز و اجتماع مراجعه کنندگان از یک سو باعث مزاحمت های بالقوه شده و از سوی دیگر امکان مراقبت و کنترل ساکنین بر رفتارهای ناهنجار اجتماعی بالا می برد. (عینی فر: ۱۳۷۹: ۱۰۸)

ایجاد امنیت در ساختمان های مسکونی، با روش های مطابق با ویژگی های این نوع ساختمان ها صورت می گیرد. به طور کلی، محافظت مبتنی بر دو اصل اساسی زیر است:

ایجاد مرزها و حصارهایی در مقابل ورود افراد غیرمجاز و اعمال کنترل از طرف نگهبانان.

ایجاد فرصت های نظارت برای اهالی و افراد ساکن در ساختمان از طریق طراحی فضاهای تعریف شده و مشخص و یا با روش های الکترونیکی.

با این وجود می توان بیان گفت که فرضیه ی رابطه ی مسکن نامناسب با جرم از سوی پژوهش گران به اثبات رسیده است. به عبارت بهتر ، همبستگی شدیدی بین ناسالم بودن مسکن و بزهکاری کودکان و جوانان ملاحظه شده است. به طور مثال در فرانسه ۷۴٪ موارد بزهکاری در محلاتی که مساکن ناسالم وجود دارد ، ملاحظه شده است.

کیفیت عمومی سکونت نقش بسیار قاطعی در بروز رفتارهای اجتماعی مطلوب و یا آنومیک دارد. این موضوع از اینجا ناشی می شود که به طور اساسی تعریف مسکن ، فراتر از تعریف آن صرفا به عنوان یک سرپناه است و کیفیت آن نیز حائز اهمیت و توجه است.

والدین با انتخاب محل سکونت خویش، موقعیت اجتماعی و کانون خانواده خود را تعیین می کنند. از این رو صاحب نظران بی شماری برآنند که ریشه انحرافات را باید در خانه های مسکونی نامناسب جستجو کرد و این گونه خانه ها در ایجاد کجروی و بزهکاری ها نقش مهمی را بازی می کنند و در تمام جوامع طبقاتی بیشتر مجرمین متعلق به نواحی پست و نامناسب هستند. براین اساس وضعیت مناطق شهری و محلات و حتی تعداد طبقات ساختمان های مسکونی ، کیفیت و وضعیت ظاهری آپارتمان ها ، کیفیت ابنیه از لحاظ مرغوبیت ، سرسبز بودن و نور کافی داشتن و... عواملی هستند که تاثیر بسزایی در نوع جرایم ارتكابی در مناطق شهری و محلات بر جای می گذارند. (صفوی مقدم، ۱۳۸۹: ۵۲)

انواع محافظت:

محافظت از ساختمان به شکل های مختلف زیر صورت می پذیرد:

محافظت فعال: محافظت فعال از طریق طراحی مناسب ساختمان شامل طرح ساختمان و مصالح به کار رفته در آن تامین می

شود. در این روش، راه هایی از ورود غیرمجاز به ساختمان مورد بررسی قرار می گیرد که کنترلی از طرف ساکنان بر آن ها اعمال نمی گردد.

محافظت دفاعی: این نوع حفاظت به معنی ایجاد حصار بین فضای خارج و داخل ساختمان است. حصارهای فوق مانند نرده های

امن، روش های خاص دسترسی و قفل ها است. محافظت دفاعی، تقویت بخشی از قسمت های ساختمان به منظور جلوگیری از ورود غیرقانونی افراد را نیز شامل می شود.



سیستم های زنگ خطر و دستگاه های گیرنده : این روش هنگامی به کار می رود که دو روش یاد شده بی نتیجه باشد. استفاده از سیستم های زنگ خطر باعث می شود تا فرد متجاوزی که موفق به ورود به ساختمان شده است پیدا و گرفتار گردد.
روش های خاص : روش های خاص در برخی موارد برای محافظت بیشتر در حد لازم به کار می رود، مانند استفاده از سیستم های تلویزیونی مدار بسته و ... (طالبی: ۱۳۸۳: ۱۷۲)
محافظت فعال به دلیل نقش پیش گیرانه ای که می تواند داشته باشد از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

محافظت فعال:

در این روش از طریق طراحی اصولی ساختمان با صرف کمترین هزینه، بیشترین امنیت را می توان تولید نمود. ایجاد امنیت باید یکی از اهداف انسانی - محیطی طراحی هر مجموعه باشد. از طریقی طراحی مناسب، می توان شرایط فضاها را به نحوی طراحی نمود که فرصتی برای عمل خلاف وجود نداشته باشد و در این راه، اعمال کنترل از طرف ساکنان یک محله بر کلیه فعالیت های محل می تواند نقش مهمی ایفا نماید.

چهار اصل زیر در ایجاد فضاهای امن موثر هستند: (Newman: ۱۹۹۶: ۱۴-۲۲)

الف - تعریف محلی فضا باعث می شود که سطوح کالبدی تحت نظر ساکنان قرار گرفته و این گونه به نظر بیاید که در مالکیت افراد است، تحقق این هدف با تقسیمات فرعی محیط مسکونی به قسمت های کوچکتر امکان پذیر خواهد بود. این شرایط، ساکنان مجاور هر فضا را قادر خواهد ساخت تا با روش ها و مقررات مخصوص به خود، امنیت مطلوب را به وجود آورند.

ب - وجود نظارت طبیعی از داخل ساختمان بر فضاهای داخلی و خارجی ساختمان، این روش، فرد متجاوز از آن جا که خود را در معرض دیده شدن می بیند، از نوعی بازدارندگی ناخودآگاه برخوردار است.

ج - شکل و ویژگی های کالبدی ساختمان باید به نحوی باشد تا شرایط پنهان کاری و انجان دادن کارهای خلاف را ایجاد نکند. عدم ایجاد فضاهای تاریک و بدون دید و نیز فضاهای کنج و دنج، مانع از ایجاد فرصت برای انجام بزه می نماید.

د - ساختمان در مجاورت فضاهایی استقراری باید که خود بازدارنده اعمال خلاف اند. به عبارت دیگر، محل استقرار ساختمان باعث تشدید ناامنی نگردد. این مورد شامل سازگاری کاربری های مجاور با مجموعه مسکونی می باشد که هر چه کاربری های اطراف سازگارتر باشد، امنیت بیشتری را می توان متصور شد

ویژگی های فضای قابل دفاع:

تاثیر جنبه های مختلف طرح کالبدی مسکن در تقویت توانایی ساکنان برای کنترل محیط زیست خود عامل مهمی می باشد. اگرچه بعضی از مکانیزم های دفاعی کنترل به صورت مستقل عمل می نمایند، ولی در مجموع این مکانیزم ها به تنهایی فاقد معنا بوده و باید به صورت یک مجموعه واحد عمل کنند. برای مثال واگذاری کنترل محدوده ای از سایت به ساکنان در صورتی عملکردی موفق و موثر خواهد





بود که ساکنان دارای کنترل بصری بر این محدوده باشند. از طرفی اگر ساکنان شاهد فعالیت هایی باشند که در محل های نامانوس انجام می شود، بهبود امکانات مراقبت بصری بپهوده خواهد بود. در نتیجه هر مکانیزم دفاعی فضا با مراجعت متقابل و مکرر به تقسیمات دیگری انجام می گیرد که یا باهم و پشت سر هم و یا به طور مشترک عمل می کنند. (طالبی: ۱۳۸۳: ۱۷۵)

حریم و قلمرو سایت:

برای طراحی یک محیط مسکونی با هدف ایجاد فضایی قابل دفاع، تقسیم بندی فضایی به صورت فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی به تشخیص این که چه کسانی مجاز به حضور در چه فضایی هستند کمک خواهد کرد. حریم و قلمرو یکی از مهم ترین نکات فراهم کننده خلوت و امنیت است. کنترل قلمرو از طریق در اختیار گرفتن فضا توسط محدوده ای خاص میسر است. قلمرو می تواند خصوصی (مانند فضاهای باز خصوصی مجموعه)، نیمه خصوصی (مانند محوطه های مشاع داخلی و خارجی) و عمومی (مانند فضاهای خیابان و پیاده روها) باشد. در این میان قلمرو نیمه خصوصی اغلب مبهم بوده و معمولاً به شکل ضعیفی مراقبت و نگهداری می شود. (Cooper: ۱۹۸۶: ۲۳)

ایجاد فضای قابل دفاع با استفاده از عناصر فیزیکی و طرح های معماری متنوعی مانند طراحی سایت، واحدهای همسایگی و موقعیت آن ها، راه ها، پنجره ها، راه پله ها، درها، آسانسورها و ... امکان پذیر است. ایجاد تقسیمات فرعی در طرح و ساختمان، به وجود آوردن دسترسی های محدود، ایجاد حصارهای فیزیکی، استفاده از موانع و عوامل روان شناسانه، فراهم کردن امکان شناخت در همسایه ها و افزایش امکان نظارت از طرف اهالی از جمله تکنیک هایی هستند که برای ایجاد فضای قابل دفاع می توانند نتایج مطلوبی را در پی داشته باشند.

همسایگی و تقویت نظارت:

انسان همواره در طول حیات خود به مدد ارتباط، پیوندش را با جامعه حفظ کرده است. در حقیقت، ارتباط از مهم ترین و ملموس ترین عناصر حیات اجتماعی انسان محسوب شده و یکی از نیاز های اساسی انسان به شمار می رود. در نتیجه بدیهی است که مناسب ترین فرد برای رفع این نیاز، نزدیک ترین و در دسترس ترین افراد، یعنی همسایه است. همسایگی در جوامع بزرگ کنونی دستخوش تحولات زیادی شده است. در عین حال، در جامعه بشری هنوز رابطه ای مهم و قابل توجه به حساب می آید، زیرا پیشرفت و ترقی فرهنگی و تکنولوژیک هر جامعه ناگزیر از حضور انسان ها در کنار یکدیگر و برقراری حداقل رابطه با یکدیگر خواهد بود. روابط همسایگی به خصوص در مورد شکل خاص زندگی آپارتمانی، قابلیت تبدیل به روابطی فعال و صمیمانه را داراست. (Hester: ۱۹۸۴: ۴۵)

عوامل موثر در نوع رابطه همسایگی را می توان به شرح زیر بیان کرد:
افراد واقع در پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا، از همسایگی بهتری نسبت به گروه های دیگر برخوردار هستند.
افرادی که اوقات فراغت بیشتری دارند، دارای رابطه همسایگی بهتری هستند.
با افزایش تعداد فرزندان، از قوت همسایگی کاسته می شود.





وجود همسانی‌ها مانند سن، شغل و یا تحصیلات سبب نزدیکی همسایگان به یکدیگر و برقراری ارتباط بهتر است. نزدیکی واحدها به یکدیگر باعث افزایش روابط همسایگی و فاصله داشتن آن‌ها از هم باعث کاسته شدن از این روابط می‌شود. تقویت روابط همسایگی از طریق ساختار فیزیکی ساختمان‌های مرتفع، موجب تقویت نظارت افراد بر محیط زندگی خویش و ایجاد امنیت بیشتر می‌شود که این امر می‌تواند به عنوان یکی از اهداف طراحی مد نظر قرار گیرد. (باستانی: ۱۳۶۹)

نقش محیط فیزیکی در مناطق قابل رویت:

در ساختمان‌های آپارتمانی، فضای خارج از ورودی به عنوان فضای عمومی تلقی می‌شود و مسئولیت آن با عموم است. ممکن است طرح به صورتی باشد که به بخش‌های بسیاری تقسیم گردد و قسمت‌های گوناگون فضای باز خارج، تحت نظارت افراد محدودی قرار گیرند. تقسیمات فرعی باید با رعایت سلسله مراتب خاصی انجام شوند به طوری که زمین‌ها بین دسته‌های ساختمان‌ها تقسیم شده و هر سه یا چهار آپارتمان دارای یک فضای تعریف شده مشترک باشند. تقسیمات فرعی ذکر شده در صورتی که فضاهای تعریف شده مناسبی در خصوص راه‌های قابل دسترس و خدمات جانبی و ورودی‌ها ایجاد نماید، بازدارنده طبیعی خوبی در مقابل اعمال خلاف می‌گردد. زمانی که ساکنان، منطقه تحت نظارت را در مالکیت خویش احساس کنند، محافظت به طور کامل انجام می‌شود. (Challinger: ۲۰۰۸: ۱۴)

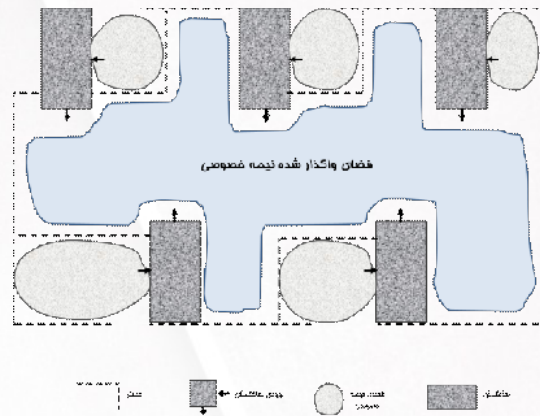
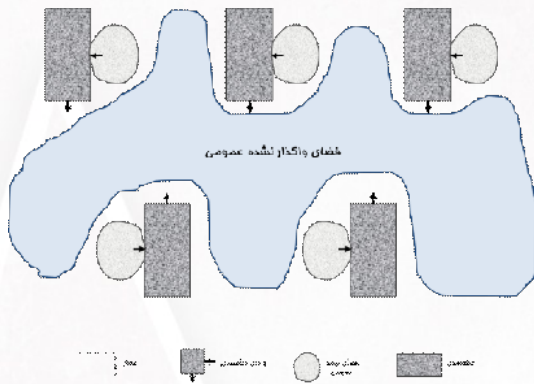
فضاهای داخلی:

ساختمان‌های مسکونی دارای عرصه هستند و زمین‌های اطراف آن‌ها با توجه به ساختمان‌های خاصی تعریف می‌شوند. این فضاهای تعریف شده، راهنمای خوبی برای ساکنان و افراد ناشناس هستند و به عنوان فضاهای خصوصی مورد استفاده آن‌ها قرار می‌گیرند. تعریف زمین ممکن است در شرایطی که آپارتمان‌های بلند در زمین‌های کوچک تقسیم می‌شوند، به صورت خود به خود ایجاد گردد. وجود خیابان‌های داخلی به سه دلیل زیر امنیت محل را تقویت می‌کند:

- ۱- دسترسی مستقیم به تمام ساختمان‌ها را به وسیله اتومبیل فراهم می‌کند.
- ۲- تردد پیاده و نیز وسایل نقلیه را به داخل محدوده سایت وارد می‌کند و در نتیجه با حضور مردم امنیت بیشتری تامین می‌گردد.
- ۳- امکان گشت ماموران کنترل و تسهیلات لازم را فراهم می‌کند. همچنین، خیابان‌های داخلی وسیله‌ای برای شناسایی موقعیت ساختمان‌ها هستند.

محوطه یک طرح باید به نحوی تقسیم شود که تمام فضاهای آن به ساختمان‌های مشخص یا مجموعه‌های ساختمانی مربوط گردند، زیرا زمین‌هایی که دارای نشانه‌هایی مبنی بر تملک شخصی بر آن‌ها است، دارای امنیت بیشتری هستند. فضاهای اطراف ساختمان و فضاهای باز نیمه عمومی باید به گونه‌ای طراحی شوند که برای ساکنان از داخل ساختمان قابل رویت باشند و در افراد احساس در معرض دید بودن را ایجاد نماید، در نتیجه به صورت ناخودآگاه از اعمال خلاف ممانعت به عمل می‌آید. (طالبی: ۱۳۸۳: ص ۱۷۸)





ایجاد محدوده های خصوصی و تعیین منطقه حرکت:

طراح برای کنترل حرکت بصری و فیزیکی، از خطوط استفاده می کند. به این طریق طراح می تواند توجه ناظر را به جسم یا مکان خاصی معطوف و او را هدایت کند. پرچین ها، دیوارها، لبه ها، جدول پیاده رو و حاشیه کاری ها از جمله خطوط و محورهای بارز طرح به شمار می روند.

دروازه ها، مسیرهای کوتاه پله، گیاهان، تغییر بافت سطوح پیاده و نورپردازی را میتوان از جمله حصارهای نمادین نام برد. محدود نمودن فضای ورودی با استفاده از حصارهای ذکر شده در بالا امکان پذیر است. موفقیت این عمل بستگی به چهار شرط زیر دارد: توانایی فرد متجاوز برای استنباط نشانه ها در جهت اهداف خود.

توانایی ساکنان فضای معین و عوامل آن ها جهت برقراری کنترل و تقویت علائم رمزار برای نظارت. خاصیت فضای تعریف شده برای این که مقاصد افراد مزاحم را مشخص کند، به طوری که این فضاها کمترین زمینه را برای اعمال خلاف به وجود آورند.

توانایی ساکنان و عوامل آن ها برای مبارزه با فرد متجاوز و اتخاذ تدابیر موثر. از آن جا که اکثر این ترکیبات در هدف طرح اثر می گذارند، مانع نمادین موفق مانعی است که تمام شرایط ذکر شده را دارا باشد و ترکیبی از تمامی آن ها باشد.

تلفیق تاسیسات رفاهی و تفریحی با محدوده های تعریف شده در تقسیمات سطوح طرح های خانه سازی، اگر تاسیسات رفاهی مورد استفاده اهالی، درون فضاهای تعریف شده قرار گیرد، این فضاها به عنوان فضای قابل دفاع عملکرد بهتری خواهند داشت.

تجربه نشان داده است که خردسالان (۲ تا ۵ سال) هنگام بازی در خارج از خانه، معمولاً نزدیک در منزل بازی می کنند. اگر این فضا، با وسایل بازی تقویت و با نیمکت هایی محصور گردد، فضای مناسبی برای ساکنان فراهم خواهد شد. همچنین محدود کردن فضای بازی بچه ها با استفاده از موانع نمادین، نتیجه مطلوبی دربر خواهد داشت. (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۸۰ و ۱۸۶)

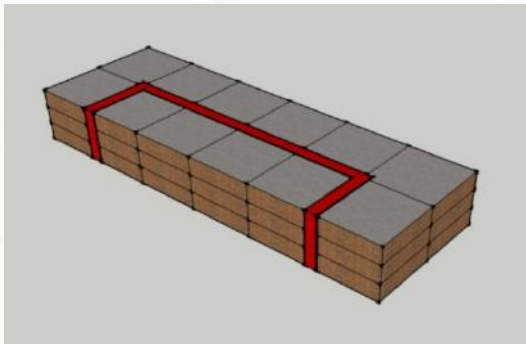




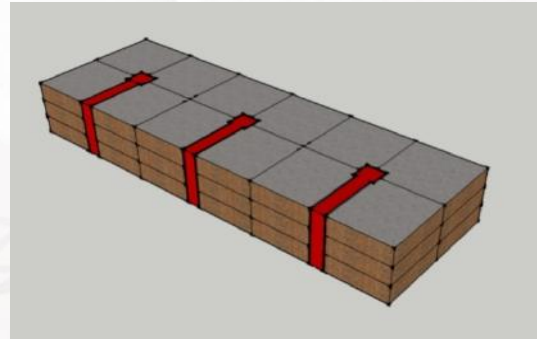
۳-۱-۸ اهمیت تعداد در تقسیمات ساختمان

مقیاس های گوناگون تقسیم شامل: تعداد آپارتمان در یک سرسرا، تعداد آپارتمان در یک ساختمان و تعداد ساختمان در طرح؛ این حقیقت را روشن می سازد که تعداد کمتر نتیجه بهتری را دارد.

کاهش تعداد آپارتمان هایی که در فضای تعریف شده قرار می گیرد و همچنین محدود نمودن تعداد ساختمان هایی که در یک طرح است، در موفقیت ایجاد فضای قابل دفاع اهمیت ویژه ای دارد. در ساختمان های بدون آسانسور، معمولاً تفاوت اقتصادی چندانی بین دو حالت ساختمان وجود نخواهد داشت.



در
الگوی
سمت
راست،
ساختمان



دارای یک راهروی مرکزی است که پله ها در فاصله ای مطابق با ضوابط آتش نشانی قرار گرفته اند. در الگوی سمت چپ، حجم ساختمان به قسمت های مختلف با راه پله های متعدد تقسیم شده است. در این حالت، هر راه پله به تعداد کمی خانوار سرویس دهی می کند و ورودی های متعددی در ساختمان وجود دارد که این شرایط سبب افزایش کنترل ساکنان بر وقایع محیط زندگی خویش می شود. بر خلاف ساختمان های بدون آسانسور، در ساختمان هایی که استفاده از آسانسور لازم است، امکان تقسیم به راحتی وجود ندارد. از جنبه اقتصادی و بر حسب نوع آسانسور به کار رفته، تعداد آپارتمان مشخصی در هر طبقه، حالت مطلوب را ایجاد می کند. در ساختمان های ۴ تا ۶ طبقه آسانسورهای هیدرولیکی به کار می رود. در این حالت، یک آسانسور می تواند به ۴ یا ۵ واحد در هر طبقه سرویس بدهد، این روش به لحاظ اقتصادی نیز مناسب است. ساختمان های بیش از ۷ طبقه نیاز به آسانسورهای سزیرتر دارند که به دلیل جنبه های اقتصادی، باید به تعداد زیادی آپارتمان، چه در ساختمان و چه در هر طبقه سرویس بدهند. (Newman: ۱۹۹۶: ۱۲)

نتیجه گیری:

در سال های اخیر، تغییر ویژگی های جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی انسان ها تاثیر زیادی در شکل گیری مسکن داشته است. طبقه بندی ساده قشر مخاطب برای دسته بندی گونه مسکن مورد نیاز پاسخگوی نیاز های دامنه وسیع استفاده کنندگان از مجموعه های مسکونی نمی باشد. در این بین احساس امنیت از جمله عوامل انسانی - محیطی است که می تواند نقش بسزایی در رضایت مندی انسان ها از فضایی که در آن زندگی می کنند داشته باشد. امنیت در مجموعه های مسکونی تنها از طریق موانع سخت فیزیکی میسر نبوده، چه بسا



- همین موانع فیزیکی به لحاظ روحی-روانی حس ناامنی را در مردم تقویت کند. این جاست که نقش ایجاد حس امنیت از طریق غیر مستقیم و با بهره گیری از سیاست های پیشگیرانه تلفیقی کالبد معماری و روابط اجتماعی- فرهنگی تحقق پذیر خواهد بود، بیشتر به چشم می آید.
- با توجه به رشد جمعیت و افزایش نیاز به مجموعه های مسکونی در شهرها، روشن کردن الگوها و خط مشی هایی برای نیل به اهداف برنامه ریزی شده، ضروری به نظر می رسد که در این بین ایجاد حس امنیت به عنوان یکی از عوامل انسانی- محیطی نقش مهمی را در رضایت مندی و آسایش افراد در زندگی شان ایفا خواهد نمود. با این وجود با رعایت موارد ذیل در طراحی مجتمع های مسکونی می- توان گامی موثر در ایجاد حس امنیت در مجتمع های مسکونی برداشت:
- همجواری تصرف ها در ساختمان باید به نحوی صورت گیرد که مساله اشراف و دید از تصرف های دیگر به تصرف های مسکونی، از طریق بازشوهای پنجره یا درهای ورودی به حداقل تقلیل یابد.
- همجواری ورودی و فضاهای دیگر در داخل تصرف های مسکونی باید به نحوی صورت گیرد که دید بیگانه از در ورودی به فضاهای داخلی تصرف محدود گردیده و اشراف آنان به این فضاها به حداقل تقلیل یابد.
- مجتمع های مسکونی در مجاورت فضاهایی استقرار یابد که خود بازدارنده اعمال خلاف اند. به عبارت دیگر، محل استقرار ساختمان باعث تشدید ناامنی نگردد. این مورد شامل سازگاری کاربری های مجاور با مجموعه مسکونی می باشد که هر چه کاربری های اطراف سازگارتر باشد، امنیت بیشتری را می توان متصور شد
- شکل و ویژگی های کالبدی ساختمان باید به نحوی باشد تا شرایط پنهان کاری و انجام دادن کارهای خلاف را ایجاد نکند.
- عدم ایجاد فضاهای تاریک و بدون دید و نیز فضاهای کنج و دنج(فضاهای بی دفاع)، مانع از ایجاد فرصت برای انجام بزه می نماید.
- افزایش قابلیت رویت پذیری بصری فضای شهری به گونه ای که ساکنین بتوانند اماکن عمومی را تحت نظر خود داشته باشند.
- برقراری تناسب میان تراکم جمعیتی و مجموعه های مسکونی(نه تراکم پایین و نه تراکم بالای جمعیتی تنها تراکم متوسط جمعیتی می تواند مناسب فضاهای امن باشد.
- ایجاد کاربری های متنوع و متجانس در مجموعه های مسکونی که بتواند در طول شبانه روز فعال باشند .
- تعریف مرزهای روشن بین فضاهای عمومی و خصوصی که مالکیت یک فضا را تعریف می کند و به وسیله آن بتوان سلسله مراتب فضایی را در مجموعه های مسکونی پشتیبانی کرد.
- افزایش روابط اجتماعی بین همسایگان و تقویت حس همبستگی میان افراد و ساکنین مجموعه های مسکونی





- ایجاد فضاهای شهری و اجتماعی متعدد برای دوره‌های آبی و افزایش تعاملات ساکنین مجموعه‌های مسکونی نظیر پارک‌های محلی، فضاهای تفریحی و بازی کودکان
- در تقسیمات سطوح طرح‌های خانه‌سازی، اگر تاسیسات رفاهی مورد استفاده اهالی، درون فضاهای تعریف شده قرار گیرد، این فضاها به عنوان فضای قابل دفاع عملکرد بهتری خواهند داشت.





منابع:

۱. افشار، علی (۱۳۷۸)، فضا و آسیب‌های اجتماعی ارایه الگوهای طراحی جهت بهسازی فضای پارکهای شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست.
۲. بیات، بهرام، جعفر شرافتی پور و نرگس عبدی، (۱۳۸۷) پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، طراحی و چاپ اداره تبلیغات، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی - اداره کل مطالعات اجتماعی
۳. تن کین هون، پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، ترجمه علی سلطانی، نشریة پلیس پیشگیری انتظامی، شماره اول، صص ۹۷-۱۴۸، زمستان ۱۳۸۵
۴. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۲)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.
۵. حسینیون، سولماز (۱۳۸۶)، «ایجاد حس مکان در فضاهای شهری»، مجله شهرداریها، شماره ۸۲.
۶. رضازاده، رضاییه (۱۳۸۴): نقش عوامل اجتماعی در تحول فرم فضاهای شهری نصری، قدیر (۱۳۸۱)، «معنا، ارکان جامعه شناسی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۶.
۷. زنگی آبادی، علی (۱۳۷۸). تحلیل و سازماندهی ساختار فضایی شاخص های توسعه شهری در شهرهای بالای صد هزار نفر ایران، رساله مقطع دکترا، اساتید راهنما: هوشنگ طالبی، محمود هدایت، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا.
۸. سوسن باستانی، (۱۳۶۹)، روابط همسایگی آپارتمان نشینان شهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
۹. طالبی، زاله، (۱۳۷۶)، راهنمای طراحی معماری ساختمان های بلند مسکونی، تهران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن،
۱۰. عینی فر، علیرضا، عوامل انسانی-محیطی موثر در طراحی مجموعه های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸
۱۱. قورچی بیگی، مجید، (۱۳۸۶)، مبانی نظری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای پیشگیری وضعی از بزه کاری (دانشگاه آزاد ابرکوه یزد)
۱۲. ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغییر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۱۳. مدیری، آتوسا. (۱۳۷۸)، جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۱۴. معین، محمد (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی-یک جلدی، انتشارات ساحل، تهران.
۱۵. مومنی، مهدی (۱۳۷۷)، درآمدی بر اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات گویا، اصفهان.



۱۶. Bo Grönlund, architect maa, sar, On CPTED - Crime Prevention through Urban Design, Written to the Radberg seminar 'Towards the Humane City for the ۲۱st century', Stockholm ۲۰۰۰-۰۹-۲۸.
۱۷. Cooper, Marcus, Clare and Wendy Sarkissian, Housing as if People Mattered, Berkeley: University of California press, ۱۹۸۶.
۱۸. Dennis Challenger, From the Ground Up: Security for Tall Buildings, Connecting Research in Security to Practice, ASIS FOUNDATION, ۲۰۰۸.
۱۹. Hester, Randolph: Planning Neighbourhood Spaces With People, Second Edition, New York, Van Nostrand
۲۰. McCamley, Phil, CRIME, DESIGN AND URBAN PLANNING: FROM THEORY TO PRACTICE, first published in the Royal Australian Planning Institute magazine, New Planner, June ۲۰۰۱
۲۱. Misra, R.P.; Micro (۱۹۹۲). "Level Rural Planing; chapman and hall ", pp. ۳۴-۶۴
۲۲. Oscar Newman, "Creating Defensible Space" ,Institute for Community Design Analysis, U.S. Department of Housing and Urban Development Office of Policy Development and Research, ۱۹۹۶, P ۱۴-۲۲.
۲۳. Oscar Newman, "Creating Defensible Space" ,Institute for Community Design Analysis, U.S. Department of Housing and Urban Development Office of Policy Development and Research, ۱۹۹۶.
۲۴. Rapoport, Amos: "Identity and Enviroment: A Cross Cultural Perspective", In J.S. Ducan ed, Housing and Identity: A Cross Cultural Perspective, London: Croom Helm, ۱۹۸۲, P ۶-۳۵.



This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.